





**تبیین مبانی گفتمان های اصلاح طلب و اصول گرا و تاثیر آنها بر ظهور و افول
احزاب جبهه دوم خرداد و پیروان خط امام و رهبری**

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه علوم سیاسی

پایان نامه دکتری رشته علوم سیاسی آقای سجاد جمشیدی،

تحت عنوان

تبیین مبانی گفتمان های اصلاح طلب و اصول گرا و تأثیر آنها بر احزاب جبهه ی دوم

خرداد و پیروان خط امام و رهبری

در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۲ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با نمره ۱۹ و درجه عالی به تصویب نهایی رسید:

امضا الزام

۱- استاد راهنمای پایان نامه: دکتر حسین هرسیج با درجه علمی دانشیار

امضا

۲- استاد راهنما پایان نامه: دکتر حسین مسعودنیا با درجه علمی استادیار

امضا

۳- استاد داور داخل گروه: دکتر سید جواد امام جمعه زاده با درجه علمی دانشیار

امضا

۴- استاد داور داخل گروه: دکتر علی علی حسینی با درجه علمی استادیار

امضا

۵- استاد داور خارج از گروه: دکتر منصور میراحمدی با درجه علمی دانشیار

امضای مدیر گروه

پاسکزاری

از اساتید گروه علوم سیاسی جناب آقای دکتر حسین هریج و جناب آقای دکتر حسین مسعودنیا که راهنمای رساله بودند و از اساتید داور دکتر منصور میر احمدی، دکتر سید جواد امام جمعه زاده و دکتر علی حسینی و همچنین از کارشناس گروه سرکار خانم قاسمی و دوستان عزیزم آقایان چادله، حجت‌اله مرادی، اکبر جهانبخشی، عبداله پاشاکی، محمدباویر و عامر غلامی که در تحریر این اثر همراه همیشگی اینجانب بوده اند کمال تشکر را دارم.

تقدیم به

کسانی که مراد تحریر این اثر یاری رسانند

پدرم

مادرم

همسرم

《 》 《 》

《 》

()

()

《 》

()

()

:

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات

۱-۱	مقدمه	۱
۲-۱	شرح و بیان مساله پژوهشی	۱
۳-۱	پیشینه و تاریخچه موضوع پژوهش	۵
۱-۳-۱	مطالعات لاتین	۵
۲-۳-۱	مطالعات فارسی	۷
۴-۱	اهداف پژوهش	۱۳
۵-۱	اهمیت و ارزش پژوهش	۱۳
۶-۱	کاربرد نتایج پژوهش	۱۴
۷-۱	فرضیه‌ها یا سوالهای پژوهش	۱۴
۱-۷-۱	سوالات پژوهش	۱۴
۲-۷-۱	فرضیه‌های پژوهش	۱۵
۸-۱	روش پژوهش	۱۶
۱-۸-۱	نوع مطالعه و روش بررسی فرضیه‌ها و یا پاسخگویی به سوالات	۱۶
۲-۸-۱	ابزار گردآوری داده‌ها (پرسشنامه، مصاحبه و ...)	۱۶
۳-۸-۱	ابزار تجزیه و تحلیل	۱۶
۹-۱	کلید واژه‌ها	۱۷

فصل دوم: چارچوب نظری و روش تحلیل

۱-۲	مقدمه	۲۰
۲-۲	واژه گفتمان	۲۰
۳-۲	تبارشناسی نظریه گفتمان	۲۲
۱-۳-۲	فردینان دو سوسور	۲۳
۲-۳-۲	مارکسیسم	۲۴
۳-۳-۲	میشل فوکو	۲۵

۲۶ ژاک دریدا. ۴-۳-۲
۲۷ نظریه گفتمانی لاکلا و موف. ۴-۲
۲۹ مؤلفه‌های تحلیل گفتمانی لاکلا و موف. ۵-۲
۲۹ ۱-۵-۲. مفهوم گفتمان.....
۳۲ ۲-۵-۲. غیریت سازی و هژمونی.....
۳۴ ۳-۵. سوژه و هویت.....
۳۶ ۴-۵-۲. گفتمان و سیاست.....
۳۷ ۱-۴-۵-۲. امکانیت.....
۳۷ ۲-۴-۵-۲. قدرت.....
۳۸ ۳-۴-۵-۲. اولویت سیاست.....
۴۱ ۵-۵-۲. ظهور و سقوط گفتمان‌ها.....
۴۴ ۶-۵-۲. تحلیل گفتمان لاکلا و موف در بوته نقد.....
۴۶ ۶-۲. جمع بندی.....

فصل سوم: از گفتمان مشروطیت تا گفتمان انقلاب اسلامی

۴۷ ۱-۳. مقدمه.....
۴۸ ۲-۳. گفتمان مشروطیت.....
۵۴ ۳-۳. گفتمان پهلویسم.....
۶۰ ۴-۳. ظهور گفتمان اسلام سیاسی.....
۶۳ ۵-۳. جدال میان گفتمان‌های اسلام گرا.....
۶۳ ۱-۵-۳. گفتمان اسلام سیاسی لیبرال.....
۶۴ ۲-۵-۳. گفتمان اسلام سیاسی چپ.....
۶۵ ۳-۵-۳. گفتمان اسلام سیاسی فقه‌پرهیزی.....
۶۶ ۱-۳-۵-۳. نظریه ولایت فقیه.....
۶۹ ۲-۳-۵-۳. نظریه جمهوری اسلامی.....
۷۱ ۶-۳. جمع بندی.....

فصل چهارم: تبیین مبانی گفتمان های اصلاح طلب و اصول گرا

۷۳ ۱-۴ مقدمه
۷۳ ۲-۴ تبارشناسی گفتمان نواندیشی دینی
۷۶ ۱-۲-۴ رویکرد هرمنوتیکی در گفتمان نواندیشی دینی
۷۷ ۲-۲-۴ گفتمان نواندیشی دینی
۷۷ ۱-۲-۲-۴ عدالت
۸۰ ۲-۲-۲-۴ آزادی
۸۲ ۳-۲-۲-۴ حقوق بشر
۸۶ ۳-۴ تبارشناسی گفتمان سنت گرایی
۸۷ ۱-۳-۴ سید احمد فرید
۹۰ ۲-۳-۴ رضا داوری اردکانی
۹۳ ۳-۳-۴ غرب ستیزی
۹۴ ۴-۳-۴ یهودی ستیزی
۹۵ ۵-۳-۴ روشنفکر ستیزی
۹۶ ۴-۴ گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی
۹۶ ۱-۴-۴ نظریه سیاسی جمهوری اسلامی
۹۶ ۱-۱-۴-۴ پیوند سیاست و دین
۹۷ ۲-۱-۴-۴ عدالت
۹۷ ۳-۱-۴-۴ ولایت فقیه
۹۸ ۴-۱-۴-۴ مشروعیت
۹۹ ۵-۱-۴-۴ حق و تکلیف
۱۰۰ ۶-۱-۴-۴ قانون و قانونگذاری
۱۰۰ ۷-۱-۴-۴ جامعه‌ی اسلامی یا جامعه توحیدی
۱۰۱ ۸-۱-۴-۴ استقلال
۱۰۱ ۹-۱-۴-۴ آزادی
۱۰۱ ۱۰-۱-۴-۴ حوزه خصوصی
۱۰۲ ۱۱-۱-۴-۴ مشارکت سیاسی مردم

۱۰۳۲-۴-۴. علمای سنتی و گفتمان اصول گرایی
۱۰۴۱-۲-۴-۴. گفتمان اصول گرایی و تفسیر روشمند
۱۰۵۲-۲-۴-۴. عدم جدایی دین از سیاست
۱۰۶۳-۲-۴-۴. اساس تأسیس حکومت
۱۰۷۴-۲-۴-۴. ولایت مطلقه فقیه
۱۰۸۵-۲-۴-۴. مشروعیت الهی یا حقانیت
۱۰۹۶-۲-۴-۴. قانونگذاری اسلامی و برتری فقیه بر قانون
۱۱۰۷-۲-۴-۴. التزام به ولایت فقیه
۱۱۰۸-۲-۴-۴. تأکید بر تکلیف و مسئولیت
۱۱۱۹-۲-۴-۴. تفسیر حداکثری از دین
۱۱۱۱۰-۲-۴-۴. برتری قرائت سنتی از دین
۱۱۲۱۱-۲-۴-۴. جامعه دینی
۱۱۳۱۲-۲-۴-۴. عدالت
۱۱۳۱۳-۲-۴-۴. خشونت و نفی تساهل
۱۱۴۱۴-۲-۴-۴. تهاجم فرهنگی
۱۱۴۱۵-۲-۴-۴. اسلامی کردن دانشگاه ها و علوم انسانی
۱۱۵۱۶-۲-۴-۴. نفی دموکراسی
۱۱۵۱۷-۲-۴-۴. محدودیت آزادی
۱۱۷۳-۴-۴. گفتمان اصلاح طلبی
۱۱۸۱-۳-۴-۴. مردم سالاری
۱۱۹۲-۳-۴-۴. آزادی
۱۲۰۳-۳-۴-۴. جامعه مدنی دینی
۱۲۰۴-۳-۴-۴. قانون گرایی
۱۲۲۵-۳-۴-۴. عدالت
۱۲۳۶-۳-۴-۴. تنش زدایی و گفت و گوی تمدن ها
۱۲۴۵-۴. جمع بندی

فصل پنجم: تاثیر گفتمان اصول گرایی بر عملکرد احزاب و جریان های سیاسی

۱-۵. مقدمه	۱۲۶
۲-۵. آرایش جناح های سیاسی پس از انقلاب اسلامی	۱۲۷
۳-۵. حزب جمهوری اسلامی، از ائتلاف تا انشعاب	۱۲۸
۳-۵.۱. انشعاب در حزب جمهوری اسلامی	۱۳۳
۴-۵. گفتمان اصول گرایی و دولت عدالتخواه	۱۳۵
۵-۵. گفتمان اصول گرایی و ائتلاف پیروان خط امام و رهبری	۱۴۲
۵-۵-۱. ولایت مطلقه فقیه	۱۴۲
۵-۵-۲. رهبری	۱۴۳
۵-۵-۳. روحانیت	۱۴۴
۵-۵-۴. مشروعیت	۱۴۵
۵-۵-۵. تکلیف گرایی	۱۴۶
۵-۵-۶. کمال گرایی و ارزش گرایی	۱۴۷
۵-۵-۷. تهاجم فرهنگی	۱۴۸
۵-۵-۸. مردم سالاری دینی	۱۴۹
۵-۵-۹. توسعه اقتصادی	۱۵۰
۵-۵-۱۰. عدالت اجتماعی	۱۵۰
۵-۵-۱۱. عدالت محوری در نظام بین الملل	۱۵۱
۵-۵-۱۲. خودی و غیر خودی	۱۵۲
۵-۵-۱۳. نظارت استصوابی	۱۵۳
۵-۵-۱۴. سفرهای استانی و اهداف آن	۱۵۴
۵-۵-۱۵. تغییر ساختار سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور	۱۵۴
۵-۵-۱۶. توزیع تسهیلات و منابع بانکی	۱۵۵
۵-۵-۱۷. اقدامات دولت در زمینه بسط عدالت	۱۵۵
۶-۵. جمع بندی	۱۵۵

فصل ششم: تاثیر گفتمان اصلاحات بر عملکرد احزاب و جریان های سیاسی

۱-۶	مقدمه.....	۱۵۸
۲-۶	از طیف چپ تا ظهور جبهه دوم خرداد.....	۱۵۹
۳-۶	گفتمان اصلاح طلب و دولت اصلاحات.....	۱۶۰
۴-۶	گفتمان اصلاحات و جبهه دوم خرداد.....	۱۶۴
۱-۴-۶	مشروعیت نظام و حاکمیت ملی.....	۱۶۴
۲-۴-۶	حاکمیت ملی و مردم گرایی.....	۱۶۶
۳-۴-۶	حاکمیت قانون یا قانون گرایی.....	۱۶۷
۴-۴-۶	حقوق شهروندی و آزادی.....	۱۶۸
۵-۴-۶	تبعیض زدایی و عدالت.....	۱۶۹
۶-۴-۶	مشارکت سیاسی.....	۱۶۹
۷-۴-۶	تحرز و آزادی مطبوعات.....	۱۷۰
۸-۴-۶	جامعه توسعه یافته و جامعه مدنی.....	۱۷۲
۹-۴-۶	ولایت فقیه.....	۱۷۴
۱۰-۴-۶	مخالفت با نظارت استصوابی.....	۱۷۵
۱۱-۴-۶	تساهل، تسامح و گفت و گو.....	۱۷۶
۱۲-۴-۶	قانون اصلاح قانون مطبوعات.....	۱۷۸
۱۳-۴-۶	شوراهای شهر و روستا.....	۱۷۹
۱۴-۴-۶	لوايح دوقلو.....	۱۷۹
۵-۶	افول گفتمان اصلاحات و جبهه دوم خرداد.....	۱۸۰
۱-۵-۶	وجود تناقض و ابهام در درون دال های گفتمان اصلاح طلبی.....	۱۸۰
۲-۵-۶	تقابل با حاکمیت.....	۱۸۱
۳-۵-۶	زیر سؤال بردن اصل «ولایت مطلقه فقیه».....	۱۸۱
۴-۵-۶	تقابل جریان های رقیب با اصلاحات براساس انگاره توطئه.....	۱۸۳
۵-۵-۶	موضع گیری های افراطی و نامناسب اصلاح طلبان.....	۱۸۳
۶-۵-۶	مسائل و مشکلات درونی جبهه دوم خرداد.....	۱۸۴
۱-۶-۵-۶	فقدان عناصر کلیدی یک جبهه سیاسی در درون جبهه دوم خرداد.....	۱۸۴

عنوان

صفحه

۱۸۴ ۲-۶-۵-۶. فقدان کادر رهبری
۱۸۵ ۳-۶-۵-۶. ائتلاف شکننده
۱۸۵ ۷-۵-۶. فقدان تجربه مردم سالاری در ایران
۱۸۶ ۶-۶. جمع بندی
۱۸۷ نتیجه گیری
۲۰۲ ضمائم
۲۰۷ منابع و مآخذ

پیشگفتار

از مولفه های جوامع مدرن، احزاب سیاسی هستند. احزاب سیاسی به عنوان حد واسط بین مردم و نهاد دولت، از نهادهای جامعه مدنی محسوب می شوند. مهمترین مسئله در مورد احزاب سیاسی، بررسی مبانی و خاستگاه آنها می باشد. از مهمترین رخدادهای چند دهه اخیر تاریخ ایران، ظهور گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی و وقوع انقلاب اسلامی بوده است. که پس از انقلاب و در راستای تثبیت انقلاب اسلامی، دو خرده گفتمان اصلاح طلبی و اصول گرایی، بر پایه غیریت سازی از درون آن ظهور کرده اند. به موازات تغییر و تحولات فکری در گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی، احزاب و جریان های سیاسی نیز دچار تحول شدند. مسئله ای که در این پژوهش به آن پرداخته شده، تبیین مبانی گفتمان های اصلاح طلب و اصول گرا و تاثیر آنها بر ظهور و افول احزاب و تشکل های جبهه دوم خرداد و پیروان خط امام و رهبری است. در این پژوهش، از روش تحلیل گفتمانی لاکلا و موف به عنوان چارچوب نظری بحث برای تحلیل مسئله مذکور استفاده شده است. بر اساس روش تحلیل گفتمانی، در فصل سوم، ابتدا زمینه های ظهور و افول دو گفتمان مشروطیت و پهلویسم و سپس دلایل ظهور گفتمان اسلام سیاسی بررسی شده است. اسلام سیاسی با آنکه سه جریان؛ لیبرال، چپ و فقاهتی را در بر می گرفت، اما تنها گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی به رهبری امام خمینی(ره)، توانست در بین عامه اعتبار و مقبولیت کسب کند و خود را بر دیگر گفتمان ها غالب کند.

در فصل چهارم، مبانی دو گفتمان اصلاح طلب و اصول گرا بررسی شده است. گفتمان نواندیشی دینی و دال «جمهوریت» گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی به عنوان مبانی گفتمان اصلاح طلبی، و گفتمان سنت گرایی و دال «اسلامیت» گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی به عنوان مبانی گفتمان اصول گرایی مورد تحلیل گفتمانی قرار گرفته است. در فصل پنجم، تحولات سیاسی اوایل انقلاب و چگونگی شکل گیری دو طیف «چپ» و «راست» بر پایه «فقه پویا» و «فقه سنتی» مورد توجه قرار گرفته است. در این مبحث تاثیر گفتمان اصول گرایی بر عملکرد سیاسی احزاب و جریان های سیاسی، بخصوص پیروان خط امام و رهبری مورد تحلیل گفتمانی قرار گرفته است. در فصل ششم نیز تاثیر گفتمان اصلاح طلبی بر عملکرد سیاسی احزاب و جریان های سیاسی، بخصوص جبهه دوم خرداد مورد تحلیل گفتمانی قرار گرفته است.

فصل اول

کلیات

۱-۱. مقدمه

در این فصل به عنوان کلیات در ابتدا مساله پژوهشی و سپس پیشینه و تاریخچه آن به صورت مختصر مطرح می شود. در این فصل سعی بر آن است سوالات و فرضیه های پژوهش به صورت شفاف و واضح بیان شوند. از آنجا که روش تحلیلی مورد نظر این پژوهش روش تحلیل گفتمانی لاکلا و موف است به اختصار برای روشن شدن بحث به آن نیز پرداخته می شود.

۲-۱. شرح و بیان مساله پژوهشی

احزاب سیاسی از ابداعات و ابتکارات نظام های سیاسی مدرن محسوب می شوند. حزب را می توان به عنوان سازمانی توصیف کرد که هدفش، دستیابی به تسلط مشروط بر حکومت از طریق فرآیند انتخاباتی است. تحزب به معنای امکان رقابت گروههای سیاسی برای بدست گرفتن قدرت سیاسی، نه تنها موجب شفاف شدن روابط میان مردم و قدرت حاکم می گردد بلکه تدبیری است جهت تحکیم شایسته سالاری و مهمتر از همه وسیله ای است جهت تدبیر و کنترل قدرت و ممانعت از سوء استفاده از آن می باشد. در مورد خاستگاه احزاب رویکردهای خاصی وجود دارد. مورس دوره تکوین احزاب را با پیدایش پارلمان و نهادهای پارلمانی همزمان می داند. دوره علاوه بر هم اندیشی گروههای پارلمانی به

عنوان بستر تشکیل احزاب، گروه‌های ایدئولوژیکی را نیز به عنوان بستری برای تشکیل احزاب در نظر می‌گیرد (آرون، ۱۳۶۴: ۳۲-۲۴). پژوهشگری مانند روکان، ریشه احزاب را در شکافها و تضادهای اجتماعی می‌جوید. بر خاستگاه اجتماعی احزاب تاکید فراوان دارد. و آن را متغیری مستقل برای توضیح احزاب سیاسی می‌داند. از این منظر، نخست شکافهای ساختاری شکل می‌گیرند و سپس احزاب سیاسی به عنوان سخنگوی این شکافها پا به عرصه ظهور می‌گذارند (ایوبی، ۱۳۷۹: ۴۴). ژان بلاندل بر این عقیده است که نخستین و بلندترین گام به سوی احزاب سیاسی زمانی برداشته شد که دولتها مبنای مشروعیت خود را در معرض بحران دائمی یافتند (بلاندل، ۱۳۷۸: ۸۳). این رویکردها برآمده از جامعه غربی است. دانشمندان علوم سیاسی تمایل دارند تا مسأله احزاب سیاسی را بعنوان یک متغیر مستقل در نظر گرفته و نقش آن را در پروسه سیاسی مورد بررسی قرار دهند. اما جامعه‌شناسان، احزاب و نظام‌های حزبی را به عنوان یک متغیر وابسته در نظر می‌گیرند (میر، ۱۹۹۰: ۱۵۰). در این پژوهش هدف این است که از لحاظ جامعه‌شناختی به مسئله احزاب در ایران پس از انقلاب اسلامی پرداخته شود.

لازمه تبیین علل ظهور و افول احزاب در ایران بررسی ابعاد و زوایای مختلف آن به عنوان یک مسئله جامعه‌شناختی می‌باشد. ایران و مسائل جامعه‌شناختی آن به عنوان یک موضوع و مسئله، همیشه مورد توجه و عنایت پژوهشگران و جامعه‌شناسان بوده است. اما وقتی که می‌خواهیم ایران را به عنوان یک موضوع جامعه‌شناختی سیاسی مورد بررسی قرار دهیم، باید به چند نکته مهم توجه داشت؛ اول اینکه ایران در چه دوره تاریخی قرار دارد؛ دوم اینکه چه عواملی هویت متن ایرانی را شکل می‌دهد. به عبارت دیگر، چیستی ایران از لحاظ هویتی یک مسئله مهم می‌باشد. تاریخ ایران را می‌توان به دو دوره قدیم و جدید تقسیم کرد. دوره قدیم که ایران باستان و ایران اسلامی را در درون خود جای می‌دهد؛ و دوره جدید به دوره معاصر و آشنایی ایرانیان با فرهنگ و اندیشه غرب باز می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۰). در برخورد با فرهنگ غرب، ایران در ابعاد مختلف همچون فرهنگ، اندیشه، سیاست با گونه‌ای از تغییرات و تحولات جدید مواجه شد. این عامل منجر به شکل‌گیری گفتمان‌های جدید فکری شد که به تبع آن، سیاست عملی و واقعیت اجتماعی ایران نیز با تحولات و تغییرات عظیمی مواجه شد. متن ایرانی، از لحاظ هویتی، تا قبل از برخورد و آشنایی با تمدن غربی، از دو لایه تشکیل شده بود: که یکی، متن ایرانی و دیگری اسلامی بود. اما بعد از آشنایی با متن غربی، در کنار دو لایه قبل، لایه‌ای جدید نضج گرفت که دو متن یا لایه قبل را به چالش کشید و در چیستی و هویت ایرانیان یک تحول عظیم به وجود آورد و آن، خود متن غرب یا تجدد بود. هر کدام از این سه لایه هویتی، گفتمان‌های خاصی را در ایران شکل داده‌اند

که در دوره‌های مهم تاریخی، یا در تفاهم و رقابت با هم بوده‌اند و یا در جدال و تقابل با یکدیگر به سر برده‌اند. هر کدام از این گفتمان‌های سیاسی که بر پایه لایه هویتی خاصی شکل گرفته‌اند در ظهور و افول احزاب سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی تاثیر مهمی داشته‌اند. در درون گفتمان کلان اسلام فقاهتی بر پایه لایه‌های هویتی مذکور، دو خرده گفتمان اصلاح طلبی و اصول گرایی در طول یکدیگر ظهور یافته و هر یک بر دوره‌ای مسلط شده‌اند. که گفتمان اصلاح طلبی در دهه‌ی سوم و گفتمان اصول گرایی در دهه چهارم انقلاب غالب شدند. با ناکامی سیاسی گفتمان اصلاح طلب، گفتمان اصول گرایی در سپهر سیاست ایران سطره یافت. در گفتمان اصلاح طلبی، یکی از آرمان‌های اساسی انقلاب اسلامی، یعنی مفهوم مردم سالاری در مرکز گفتمان قرار گرفت. به طور کلی، گفتمان اصلاح طلبی در صدد احیای شعارها و آرمان‌های اولیه انقلاب اسلامی بود؛ آرمان‌هایی که جنبش‌های یکصد سال اخیر ایران را پایه‌ریزی کرده‌اند. با آشکار شدن ضعف‌ها و فقدان انسجام درون منطقی این گفتمان زمینه ظهور پاد گفتمان آن توسط مخالفان فراهم شد. با افول گفتمان اصلاحات زمینه برای پیدایش و پیروزی گفتمان جدیدی با عنوان اصول گرایی با محوریت «عدالت» فراهم شد.

به تبع تغییر و تحولات فکری در حوزه اندیشه، در میان گفتمان‌ها، در حوزه عمل نیز تحولاتی رخ می‌دهد و همچنین عکس این قضیه نیز صادق است. به عبارت دیگر، در یک رابطه دیالکتیکی میان ذهن و عین، باید به این نکته اذعان داشت که هر دو از یکدیگر تاثیر می‌پذیرند. بنابراین، در حوزه سیاست، احزاب و نیروهای اجتماعی از لحاظ فکری، وابسته به گفتمان‌های فکری خاصی هستند. به عبارت دیگر، شکل‌گیری گفتمان‌های فکری در حوزه نظر و اندیشه، به تبع آن در حوزه عمل، احزاب و نیروهای اجتماعی خاصی را یا شکل داده‌اند یا بر حرکت آنها تاثیر گذاشته‌اند. این سخن به این معنا نیست که گفتمان‌های سیاسی در خلا شکل گرفته‌اند، بلکه مطمئناً عینیت و واقعیت‌های اجتماعی خاصی در شکل‌گیری این گفتمان‌ها تاثیرگذار بوده‌اند. اما آنچه در این پژوهش دارای اهمیت است بررسی تاثیر گفتمان‌ها سیاسی بر شکل‌گیری احزاب سیاسی است.

بعد از انقلاب اسلامی، در ایران در حوزه فکری و نظری دو گفتمان در جدال با هم بوده‌اند؛ یکی، گفتمان اصول گرا و دیگری گفتمان اصلاح طلب. وجود جدال و نزاع فکری میان این دو گفتمان بخصوص در حوزه سیاست نظری (نوع حکومت، رابطه دین و سیاست، مؤلفه‌های دموکراسی، حقوق بشر و...) در حوزه سیاست عملی نیز مؤثر بوده و در ایجاد و شکل‌گیری احزاب و گروه‌های سیاسی مؤثر بوده‌اند. البته نباید در شکل‌گیری احزاب و گروه‌های سیاسی همه عوامل را به عامل نظری تقلیل داد و

از عواملی همچون اقتصاد، غافل ماند. اما آنچه در این پژوهش بر خلاف نظریه های رایج در مورد احزاب سیاسی مهم می باشد، بررسی تاثیر گفتمان اصلاح طلب و اصول گرا در حوزه نظر و اندیشه، در ایجاد و تکوین احزاب و نیروهای اجتماعی بخصوص احزاب تشکیل دهنده جبهه دوم خرداد و پیروان خط امام و رهبری در حوزه عمل و عینیت، پس از پیروزی انقلاب اسلامی می باشد. گفتمان انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ بر پایه اسلام سیاسی بود اما این گفتمان در سال ۱۳۷۶ دچار شقاق شد و به تدریج دو گفتمان اصول گرا و اصلاح طلب را شکل داد. گفتمان اصلاح طلب در نیمه اول دهه ۱۳۷۰ ناگهان دال های گوناگونی مانند: توسعه سیاسی، جامعه مدنی، مردم سالاری و آزادی را مفصل بندی کرد. در مقابل، گفتمان اصول گرا خود را با دال هایی چون: «ولایت مطلقه فقیه»، مردم سالاری دینی، نظارت، عدالت و غیره مفصل بندی کرد (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۶۲). وجود این دال ها، چه در درون گفتمان اصلاح طلب و چه در درون گفتمان اصول گرا، گویای این نکته مهم است که احزاب سیاسی تشکیل دهنده جبهه دوم خرداد و پیروان خط امام و رهبری از لحاظ منبع معرفت شناختی و آگاهی متاثر از دو گفتمان اصلاح طلب و اصول گرا بوده اند. بنابراین، در این پژوهش بر خلاف نظریه های رایج در باب خاستگاه احزاب سیاسی که بیشتر بر مسائل عینی همچون؛ پارلمان، شکاف های طبقاتی یا شکاف های اجتماعی و بحران مشروعیت تاکید دارند بر مسائل ذهنی بیشتر تاکید دارد. به عبارتی، در ایران وجود گفتمان های سیاسی در حوزه نظر به عنوان خاستگاه اصلی و مهم احزاب سیاسی در حوزه عینیت و عمل به حساب می آیند. در ایران پس از انقلاب اسلامی وجود مباحث سیاسی در حوزه نظری در میان گفتمان اصوا گرا و اصلاح طلب بر سیاست عملی در میان احزاب و نیروهای اجتماعی تاثیر گذار بوده است. به عبارتی، گفتمان اصلاح طلبی بر مفصل بندی و ظهور احزاب تشکیل دهنده جبهه دوم خرداد (همانند: مجمع روحانیون مبارز، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و جبهه مشارکت) مؤثر بوده و گفتمان اصول گرا بر مفصل بندی و ظهور احزاب تشکیل دهنده پیروان خط امام و رهبری (همانند: مؤتلفه اسلامی، جامعه روحانیت مبارز و ائتلاف آبادگران جوان) تاثیر گذار بوده است. در این پژوهش، از روش تحلیل گفتمانی استفاده می شود. از آنجا که محدوده تحلیل گفتمانی وسیع می باشد، این پژوهش بر پایه تحلیل گفتمانی لاکلا و موف مراحل تحقیق و پژوهش را طی خواهد کرد.

۱-۳. پیشینه و تاریخچه موضوع پژوهش

۱-۳-۱. مطالعات لاتین

یورگنسن و فیلیپس^۱ (۲۰۰۲) در کتاب «نظریه و روش در تحلیل گفتمان»، مولفه های مختلف گفتمان از نظر لاکلا و موف همانند ممکن یا ناممکن بودن تثبیت معانی نشانه ها، هژمونی و حوزه گفتمانگونگی را مورد بررسی قرار می دهند. از مباحث مهم این اثر بررسی مفهوم حوزه گفتمانگونگی می باشد. از نظر نویسندگان این اثر مفهوم حوزه گفتمانگونگی که لاکلا و موف به کار برده اند، دارای ابهام است. لاکلا و موف مشخص نکرده اند که آیا حوزه ی گفتمانگونگی توده ی بی شکلی از همه ی معانی احتمالی خارج از گفتمان است یا اینکه ممکن است توسط گفتمان های رقیب ساخت مند شده باشد. در نظریه لاکلا و موف این دو حوزه در هم ادغام شده اند. ولی یورگنسن و فیلیپس سعی کرده اند که این دو حوزه ی متفاوت را از هم جدا کنند و در عین حال از مفهوم حوزه ی گفتمانگونگی نیز رفع ابهام کنند. آنها پیشنهاد کرده اند که مفهوم حوزه ی گفتمانگونگی لاکلا و موف برای اشاره به همه ی معانی و نشانه های طرد شده از یک گفتمان به کار رود. یورگنسن و فیلیپس برای اشاره به معانی و نشانه های طرد شده از یک گفتمان که در عین حال قرابتی نیز با آن گفتمان دارد اصطلاح «نظم گفتمانی» را که از تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف قرض گرفته اند، به کار برده اند. از نظر یورگنسن و فیلیپس یک گفتمان تلاشی است برای تبدیل عناصر به وقته ها از طریق تقلیل چندگانگی معنایی شان به یک معنای کاملاً تثبیت شده.

هوارث^۲ (۲۰۰۰) و (۱۳۷۷) در ابتدا به زبان شناسی سوسور می پردازد. سوسور با طرح ساختارهای زبانی، اولین قدم ها را در ایجاد نظریه گفتمان برداشت. سوسور زبان را یک نظام از اصطلاحات مرتبط بدون ارجاع به جهان خارج در نظر می گرفت. زبان به مثابه نشانه ها شامل قواعد ضروری است که سخنور اگر می خواهد با دیگران ارتباط معنا داری پیدا کند، باید به آن وفادار بماند. در اینجا ساخت ثابت زبان مد نظر سوسور است که به عنوان شبکه ای از نشانه ها که هر یک به دیگری معنا، می دهند، در نظر گرفته می شود. زبان به این معنا با گفتار متفاوت می شود. گفتار عمل فردی و زبان امری اجتماعی است. سوسور با تمایز زبان و سخن، امر اجتماعی را از امر فردی متمایز می کند. از دیدگاه سوسور، عنصر اصلی زبان،

1. Jorgensen and Philips

2. Howarth